



پاداش چند برابری برای صدقه و قرض و صلّه اخوان و صلّه ارحام

عن امیرالمؤمنین(ع) **عن رسول الله(ص)** **الصدقه بعشر و القرض بثمانی عشره و صلّه الاخوان بعشرین و صلّه الرّحم باربع و عشْرین** ^(۱) «امیرالمؤمنین(ع) از قول پیامبر اکرم(ص) نقل می‌کند که فرمود: صدقه ۱۰ برابر محاسبه می‌شود و قرض ۱۸ برابر و کمک به دوستان و برادران ۲۰ برابر و صلّه رَحْم ۲۴ برابر.»

– **الصدقه بعشر**؛ امیرالمؤمنین(ع) از قول پیامبر(ص) می‌فرماید: صدقه که می‌دهید، خدای متعال این صدقه شما را ده برابر محاسبه می‌کند و براساس این ده برابر به شما پاداش می‌دهد.

– **والقرض بثمانی عشره**؛ اما قرض که به کسی می‌دهد، خدا هجده برابر حساب می‌کند و بر اساس این هجده برابر به شما پاداش می‌دهد؛ با اینکه صدقه بخشش است و قرض پس گرفته می‌شود، در عین حال اِپاداشِ این است؛ این به این دلیل است که آن طرف مقابل وقتی صدقه گرفت، خیالش آسوده است که خب یک پولی گیرش آمد و خدا برکت بدهد، منتظر می‌ماند تا پول بعدی گیرش بیاید؛ اما وقتی قرض گرفت، چون باید اداء کند، در صدد اداء برمی‌آید، تلاش می‌کند، زحمت می‌کشد، کار می‌کند، این برای تشویق به کار و تلاش است.

– **وصله الاخوان بعشرین**؛ اگر چنانچه همین پول را شما بدهید به دوستانتان یا برادرانتان، می‌شود بیست برابر؛ چون هم کمک به یک کسی است که محتاج به این کمک است، هم استحکام پیوندهای دوستی است. ببینید چقدر در اسلام به استحکام پیوند دوستی و رابطه مودت و محبت بین مومنین توجه می‌شود!

– **وصله الرّحم با ربیع** و **عشرین**؛ اگر همین پول را به رحم خودتان، خویشاوند خودتان بدهید، ۲۴ برابر حساب می‌شود؛ا ده همه بالاتر. این برای این است که این پیوندها از جاهای نزدیک شروع می‌شود. اربطه با والدین ا پیوند خانوادگی است، مال درون خانواده است، باید خیلی مستحکم باشد؛ بعد نوبت می‌رسد به خویشاوندان، باید مستحکم باشد؛ نوبت می‌رسد به دوستان. باید مستحکم باشد؛ ابدأ می‌رسد نسبت به عامه مردم؛ یعنی پیوندهای اجتماعی مراتبی دارد که از جاهای دور دستت شروع می‌شود و همه آنها هم مورد توجه و التفات شارع است؛ هرچه به داخل این سلول‌های اجتماعی نزدیک‌تر و محدودتر نزدیک می‌شود، این پیوندها باید مستحکم‌تر باشد. اساس خانواده است. کسی که خانواده خودش را نمی‌تواند محفوظ کند، روابط پدر و پسر و دختر و زن و شوهر و مانند اینها وقتی سست باشد، دیگر خویشاوندی معنا ندارد.

مخالفت اسلام با ارتباط صنعتی

دور الان در این جوامع غربی ببینید که به برکت تمدن صنعتی و ظهور از اخلاق غرب، پیوند خانواده گسسته است؛ پدر، مادر، بچه‌ها، زن، شوهر هر کدام در یک طرف مشغول کار خودشان هستند، اجتماع و ارتباطی باهم ندارند. بنده در یکی از این نوشته‌های خارجی خوانده‌ام در آمریکا، پدر و مادر و خانواده برای اینکه هم را ببینند، قرار می‌گذارند که مثلا ساعت چهار بعداز ظهر فردا پدر، مادر، پسرها، دخترها همه در خانه باشند. خانواده‌هایی که خیلی دیگر مقیدند، یک چنین بنیایی می‌گذارند. بعد مثلا سراس ساعت چهار همه جمع می‌شوند برای اینکه این خانواده از بین نرود؛ چون اصلا همدیگر را که نمی‌بینند، مثل ماها نیستند که سر سفره ناهار و سر سفره شام و سر سفره صبحانه و نماز جماعت داخل خانه و این چیزها همدیگر را ببینند؛ حالا سر ساعت چهار هم فرض کنید آمده‌اند نشسته‌اند و یک ساعت با هم قرار دارند؛ یک‌گاه نگاه می‌کند به ساعت ببیند که ساعت پنج و ربع مثلا فرض کنید در فلان مؤسسه باید بروید ماشین‌نویسی کنید، دیر نشود؛ آقا نگاه می‌کند به ساعت که ببیند مثلا می‌خواهد عصر، تاکسی‌رانی کند، دیر نشود؛ پسر قرار فوتبال دارد، مواظب است که دیر نشود؛ دختر یک قرار دیگری؛ این چه جور خانواده‌ای است؟! این چه جور دور هم جمع شدنی است؟ دور هم جمع شدن مصنوعی و صنعتی؛ وقتی که زندگی، صنعتی شد، ارتباطات هم می‌شود صنعتی؛ اسلام با این مخالف است. اسلام می‌خواهد این ارتباطات بچوسد؛ از درون دلها عاطفه‌ها اِیجوشد، و ایمان را هم پشتوانه این قرار می‌دهد. ببینید، این ایمان مذهبی اینجا شد پشتوانه یک‌گاه امر عاطفی. شما به پدر خودتان، به مادر خودتان، به فرزندان خودتان نگاه محبت‌آمیز که می‌کنید، خدا می‌خواهد عصر، تاکسی‌رانی کند، دیر ندهم؛ یعنی برای این پیوندهای داخل خانواده یک عقبه و پشتوانه ایمانی و ثواب اخروی قرار می‌دهد؛ همه چیز جوشیده از درون انسان، از عواطف انسان، از دل انسان، از ایمان انسان؛ این می‌شود طبیعی؛ این می‌شود موجود طبیعی و ماندگار و سالم و بی‌پالش می‌ماند؛ این بخواند مصنوعا ایجاد کنند، می‌شود مثل بقیه چیزهای مصنوعی دنیا؛ مصنوعی‌اش مصنوعی است طبیعی نیست و از درون وجود انسان نثذیه نمی‌شود.

• شرح حدیث در ابتدای درس خارج ۸۳/۹۲۴ به نقل از کتاب: نسیم سحر

(۱) نوادر رواندی، ص ۹۵

با خورشید انقلاب (خاطراتی از رهبر معظم انقلاب)

کف خانه تنها موکت بود

مهمسرم دیشب که فیهیق قرار مصاحبه دارم خاطره‌ای از همسر آقا را به یاد آورد و گفت که بگویم. یادش افتاد که برای یک میهمانی به منزل آقا رفته و برایش باور نکردنی بوده که کف خانه تنها موکت بوده و بالای آن پتویی انداخته بودند. همسرم می‌گفت مرا نشانند بودند روی پتو و منتظر بودم خانم رهبر بیاید و روی آن پتو بنشینند اما وقتی ایشان آمدند به جای آنکه روی پتو بنشینند رفتند دم در نشستند در حالی که مرا بالای اتاق و روی پتو نشانده بودند. بالاخره ایشان همسر رهبر است. نه خدمتکاری داشتند نه هیچ چیز. بچه‌هایشان می‌آمدند از من پذیرایی می‌کردند.

دکتر علیرضا مرندی، مجله پنجره، به نقل از جهان‌نوز، یکشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۹۲، ساعت ۱۳:۰۹

استفتاء

از رهبر معظم انقلاب اسلامی

اطعام و ولیمه عروسی در مسجد

(س) در بعضی از مناطق بخصوص روستاها مجلس عروسی را در مساجد برگزار می‌کنند؛ به این صورت که مجلس رقص و آواز در خانه بر پا می‌شود، ولی ناهار یا شام را در مسجد تناول می‌کنند. آیا این کار شرعا جایز است یا خیر؟

ج) غذا دادن به دعوت دشگان در مسجد فی نفسه اشکال ندارد. حضور مختلط نامحرمان

در مجلس جشن عروسی

(س) اگر مرد نامحرمی وارد جشن عروسی شود و در آنجا زن بدون جنابیی حضور داشته باشد و مرد بداند که نهی از منکر در او تأثیری ندارد، آیا واجب است مجلس را ترک کند؟ (ج) اگر خروج از مجلس معصیت به عنوان اعتراض، صدق حقوق از منکر باشد، واجب است.

معارفMaaref@Kayhan.ir

لذت‌ها هر چند احساس روانی و باطنی است، اما دارای عامل مادی است. از نظر آموزه‌های قرآن، عامل لذت می‌تواند حلال و طیب یا حرام و خبیث باشد. اگر عامل لذت حلال و طیب باشد، احساس لذت، بی‌درد و رنج ادامه می‌یابد و احساس خوشبختی به انسان دست می‌دهد؛ اما اگر عامل لذت حرام و خبیث باشد، به دنبال احساس لذت، احساس درد و رنج پدیدار می‌شود که احساس خوشبختی را نیز از انسان سلب می‌کند؛ زیرا حرام و خبیث برای انسان است که با طبیعت انسان همراه و هماهنگ نیست و برخلاف مصلحت وی است؛ از همین رو به سبب داشتن مفسده، احساس لذت ناپایدار و درد و رنج و پشیمانی را به دنبال می‌آورد و خوشبختی در شخص امری خیالی و توهمی خواهد بود. نویسنده در این مطلب بر آن است تا عوامل و آثار لذت‌های حلال و حرام را تبیین کند.

بنابراین، عوامل احساس شهوت می‌تواند امر واقعی یا اعتباری باشد؛ زیرا ملکیت، یک امر اعتباری است نه واقعی؛ پس اگر به کسی احساس شهوت دست دهد و بخواهد به چیزی گرایش و میل شدیدی پیدا کند، ممکن است این گرایش به یک امر واقعی باشد یا یک امر اعتباری.

بر این اساس می‌توان گفت که احساس شهوت اعم از احساس لذت است؛ زیرا احساس شهوت نسبت به امر اعتباری و واقعی است، در حالی که احساس لذت با امر واقعی تحقق می‌یابد.

انواع لذت‌های حلال و حرام

عامل لذت می‌تواند امری واقعی حلال و طیب یا امر واقعی حرام و خبیث باشد. از همین رو خدا در بیان لذت‌های حقیقی و سازنده به این احساس خوشبختی است. از آنچه گفته شد معلوم می‌شود که احساس لذت از یک امر جزئی و شخصی، تا چه اندازه، در تحقق احساس کلی‌تری به نام خوشبختی و سعادت نقش دارد. بر همین اساس، نمی‌توان از خوشبختی و سعادت انسان سخن گفت، ولی از احساس لذت وی سخن نگفت و درباره عوامل ایجادِی و تأثیرگذار در احساس لذت بی‌تفاوت بود.

با این همه از نظر آموزه‌های قرآن، احساس لذت می‌تواند از یک امر حلال و طیب باشد، یا از یک امر حرام و خبیث؛ اما تفاوت میان دو عامل ایجادِی احساس لذت را نمی‌توان نادیده گرفت؛ زیرا امر حلال و طیب، به سبب مصلحت و تناسب با انسان و حقایق هستی، احساس واقعی و حقیقی و به نوعی پایدار از لذت را ایجاد می‌کند

لذت‌هایی که انسان از طریق عوامل باطل و خبیث و حرام به دست می‌آورد، نه تنها لذت‌های مثبت و سازنده‌ای نیستند، بلکه آثار و پیامدهای بدی را به دنبال دارد به طوری که لذت را بر کام لذت جویان تلخ می‌کند. کسانی چون منافقان و کافران دنبال این گونه لذت‌ها هستند، در حالی که دست‌های آنان از لذت‌های پایدار اخروی خالی خواهد بود.

و احساس خوشبختی و سعادت آن در شخص برخوردار از لذت نیز واقعی و حقیقی است؛ اما احساس لذت و خوشبختی که از امر حرام و خبیث به شخص دست می‌دهد، غیر واقعی، غیر حقیقی و ناپایدار است، به طوری که پس از زمانی شخص، نه تنها از احساس لذت به احساس درد و رنج مبتلا می‌شود بلکه احساس خوشبختی نخواهد داشت و احساس لذت و خوشبختی وی لحظه‌ای و ناپایدار است؛ اما در احساس لذت طبیعی و واقعی و حقیقی، احساس خوشبختی پایدار و بی‌هیچ درد و رنجی خواهد بود و شخص احساس پشیمانی نخواهد کرد.

فرق احساس لذت و احساس شهوت

واژه لذت در قرآن، به حالتی روانی اسناد داده شده که دارای خاستگاه و علت و عامل مادی باشد. بنابراین، لذت بر خلاف شهوت تنها دارای علت و عامل مادی واقعی است، در حالی که شهوت این گونه نیست؛ زیرا می‌تواند علت و عامل آن اعتباری باشد، مانند احساس مالکیت ثروت و مال، که بر عنوان یک شهوت مطرح شده است.

خدا در قرآن، علت و عامل روانی احساس لذت را به شرب و نوشیدن نسبت می‌دهد و می‌فرماید: **بِضَآءِ لَدُوْهِ لِّلشَّارِبِیْنَ لَإِیْنِهَآ عُوْلُؤْ لَآ لَهُم مِّنْهَا یُزْفَوْنَ**؛ باده‌ای سخت سبید که نوشندگان را لذتی خاص می‌دهد، نه در آن فساد عقل است و نه ایشان از آن به بدمنستی و فرسودگی می‌افتند. (صافات، آیات ۴۶ و ۴۷)

این در حالی است که شراب‌های غیربهدی است که انسان در دنیا از آن استفاده می‌کند، دارای آثار پلیدی چون فساد عقل و بدمنستی و فرسودگی تن و روان است و انسان پس از نوشیدن، گرفتار آن می‌شود؛ زیرا باده‌های بهشتی طیب هستند، در حالی که باده‌های زمینی، خبیث بوده و آثار زیانباری پس از نوشیدن به جا می‌گذارد. از آنجاکه باده‌های زمینی امری ناپاک و غیرمناسب با طبیعت تن و روان آدمی است، خدان آن را حرام دانسته است؛ زیرا چنین عوامل لذت، به جای مصلحت دارای مفسده است و احکام اسلام و قرآن بر اساس مصالح و مفاسد شکل گرفته است، پس هر چه را که دارای مصلحت قوی یا ضعیف است، در ساختار حلال، واجب و مستحب، و هر چه از دارای مفسده قوی یا ضعیف است، حرام و مکروه قرار داده است. خدا درباره لذت تحريم باده‌های زمینی لذت‌آفرین لِحظه‌ای، می‌فرماید: درباره شراب و قمار از تو می‌پرسند بگو در آن دو گناهی بزرگ و سودهایی برای مردم است، ولی گناهشان از سودشان بزرگ‌تر است و از تو می‌پرسند چه چیزی انفاق کنند؟ بگو مازاد بر نیازمندی خود را. این گونه خواننده ایات خود را برای شما روشن می‌گرداند، باشد که بیندیشید. (بقره، آیه ۲۱۹)

پس از نظر قرآن، زیانهایی در شراب‌های زمینی است که موجب حرمت آن شده است؛ چرا که منافع آن اندک و مفسده آن بسیار است. خدا در تفسیر این حکم خویش در جایی دیگر می‌فرماید: همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد، پس ای شما دست برمی‌دارید. ای کسانی که ایمان آورده‌اید شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه پلیدند و از عمل شیطانند پس از آنها دوری گزینید، باشد که رستگار شوید.(مائده، آیات ۹۰ و ۹۱)

براساس این آیات، شراب لذت‌آفرین زمینی به دلیل زوال عقل و

راه‌کنای پرورفت از مشکلات برای اهل تقوا

از نظر آموزه‌های قرآنی تعلیم و تزکیه، دو اصل و هدف اصلی در زندگی است که مسئولیت اصلی آن نیز به دست خدا و مظاهر اسمایی او یعنی پیامبران و امامان معصوم (ع) است. کسی که در مسیر عبودیت تقوایی بر اساس شریعت اسلام حرکت می‌کند، از اموری چون تعلیم خاص الهی که نوری و علم لدنی است، بهره‌مند می‌شود. (بقره، آیه ۲۸۲)

همچنین اهل تقوا، برخوردار از زبان و سپران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب‌های نشاندار و دامها و کشتزارهای مردم آراسته شده لیکن این همه مایه تمتع زندگی دنیاست و حصال آنکه فرجام نیکو نزد خداست. (آل عمران، آیه ۱۴)

از نظر آموزه‌های قرآنی تعلیم و تزکیه، دو اصل و هدف اصلی در زندگی است که مسئولیت اصلی آن نیز به دست خدا و مظاهر اسمایی او یعنی پیامبران و امامان معصوم (ع) است. کسی که در مسیر عبودیت تقوایی بر اساس شریعت اسلام حرکت می‌کند، از اموری چون تعلیم خاص الهی که نوری و علم لدنی است، بهره‌مند می‌شود. (بقره، آیه ۲۸۲)

همچنین اهل تقوا، برخوردار از زبان و سپران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب‌های نشاندار و دامها و کشتزارهای مردم آراسته شده لیکن این همه مایه تمتع زندگی دنیاست و حصال آنکه فرجام نیکو نزد خداست. (آل عمران، آیه ۱۴)

هر یک از ابزارهای حسسی انسان برای خود یک نوع لذت خاص دارد که آثار آن در روان آدمی خودنمایی می‌کند.

فرسودگی تن و روان موجب دشمنی و عداوت میان مردم می‌شود و خانواده و جامعه را دچار بحران و بلکه نیستی می‌کند، از همین رو، شراب و باده زمینی چیزی جز رجز و پلیدی و از ابزارهای شیطان برای ایجاد دشمنی میان مردمان نیست. کسانی که گرفتار شرب خمر هستند، از ذکر الهی و نماز و حرکت در مسیر کمالی جدا شده و به مسیر هلاکت و ضلالت می‌افتند.

از نظر قرآن هر عضوی از اعضای بدن انسان می‌تواند لذت ببرد، پس لذت تنها برای خوردن و نوشیدن نیست، بلکه می‌تواند لذت جنسی و غیر جنسی را شامل شود. انسان‌ها از مناظر زیبا لذت چشمی می‌برند و روان آدمی از این لذت و شهوت برخوردار می‌شود. خدا می‌فرماید: سینی‌هایی از طلا و جام‌هایی در برابر آنان می‌گرداندند و در آنجا آنچه دلها آن را بخواهند و بدان اشتها و شهوت دارند و دیدگان را لذتی خوش آید هست؛ و شما در آن جاودانید. (زخرف، آیه ۷۱)

در این آیه شهوت را به روان و نفس آدمی و لذت را به چشم

لذت‌های حلال و حرام از منظر قرآن



مجتبئی کریمی اصل

یعنی ابزار نسبت داده است تا معلوم شود که لذت بیشتر برای ابزارها و حواس است تا احساسات باطنی؛ هر چند که به طور طبیعی وقتی لذتی برای ابزارهای حسسی از چشایی و بویایی و شنوایی و گویایی و سبوابی است، احساسات و روان آدمی نیز بهره‌مند خواهد شد.

هر حال، هر یک از ابزارهای حسسی انسان برای خود یک نوع لذت خاص دارد که آثار آن در روان آدمی خودنمایی می‌کند.

محدودیت‌های بهره‌گیری از لذت‌های دنیوی

از نظر قرآن، لذت‌های حلال در دنیا به سبب برخی از تأثیرات باید مدیریت و مهار شود؛ زیرا لذت‌های جنسی و غیرجنسی هر چند که حلال است و انسان می‌بایست از آنها برای برآورد نیازهای گوناگون خویش بهره برد؛ اما نباید در این امر راه افراط و تفریط را در پیش گرفت.

همان طوری که تفریط در لذت‌های حلال جایز نیست، افراط در این امر نیز جایز و روا نیست. برخی از مردم حلال‌های خدا را بر خود تحريم می‌کنند؛ در حالی که هر یک از حلال‌های الهی برای انسان فوایدی دارد. از همین رو خدا تحريم لذات حلال بر خویشان را امری ناروا دانسته (مائده، آیات ۸۷ و ۸۸) و حتی کسانی را که با سرگند و نذر بر آن هستند تا حلال خدا را بر خویش حرام سازند، سزانش کرده و سوگند و قسم ایشان دراین باره را لغو و باطل دانسته است(مائده، آیه ۸۹)؛ زیرا بر اساس روایتی از رسول خدا (ص) چنین سوگندی لغو است و انسان نمی‌تواند حلال خدا را با سوگند و قسم بر خود حرام کند. (تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۵، ح ۳۲۰) پس از نظر حکم تکلیفی جایز نیست تا کسی حلال خدا را حرام کند، و از نظر حکم وضعی اگر کسی با سوگند و قسم خواست تا حلال خدا را حرام کند، چنین سوگندی لغو و باطل است و هیچ آثاری بر آن مرتب نیست.

از نظر قرآن کسانی که از لذت‌های حیوانی و عوامل گوناگون باطل و خبیث آن بهره می‌برند، در بلندمدت و نیز در آخرت از لذت‌های حقیقی و واقعی محروم خواهند شد.

همان طوری که تحريم امور حلال همچون لذت جنسی جایز نیست، اما شخص نباید در این امر افراط و زیاده‌روی را در پیش گیرد؛ از همین رو خدا از مردمان می‌خواهد تا تعفف پیشه گیرند یا در ماه رمضان از شَهوات و لذت‌های جنسی خویش بکاهدند؛ زیرا از نظر قرآن، گرایش زیاد و افراط به شهوات و لذت‌های جنسی انسان را به خیانت می‌کشاند؛ به طوری که حتی احکام شرعی را نادیده گرفته و بر خلاف آن عمل می‌کند.(بقره، آیه ۱۸۷)

از نظر خدا محدود کردن لذت جنسی به حیظه مشروع آن، امری لازم و قطعی است (نساء، آیه ۲۴) اما حتی در مشروع آن نیز لذتی‌بایست راه افراط را پیمود؛ زیرا زیاده‌روی در هر کاری از جمله لذت جنسی می‌تواند انسان را به خیانت و رفتار خلاف قانون و شریعت بکشاند.(بقره، آیه ۱۸۷)

لذت‌هایی که انسان از طریق عوامل باطل و خبیث و حرام به دست می‌آورد، نه تنها لذت‌های مثبت و سازنده‌ای نیستند، بلکه آثار و پیامدهای بدی را به دنبال داشته به طوری که لذت را بر کام لذت جویان تلخ می‌کند. کسانی چون منافقان و کافران دنبال این گونه لذت‌ها هستند در حالی که دست‌های آنان از لذت‌های پایدار اخروی خالی خواهد بود.(توبه، آیات ۶۷ تا ۷۰)

همچنین از نظر قرآن، نوع لذتی که کافران و منافقان و مشرکان از آن بهره می‌برند، در شمار لذت‌های حیوانی است؛ زیرا چنانکه گفته شد، لذت از طریق عوامل مادی برای حواس گوناگون انسان پدید می‌آید. شکی نیست که چنین لذت‌هایی در حد حواس حیوانی است(محمد، آیه ۱۲)، اما مومنان برای لذت اصالتی تمام، قائل نیستند، با آنکه از لذت‌های حواس بهره‌مند می‌شوند. از این نظر لذتی که مومنان می‌برند یک لذتی فرا حیوانی است؛ زیرا افزون بر اینکه از لذت و طیب لذت‌بخش‌ها استفاده می‌کنند، بلکه بیشتر جنبه معنوی و روانی امور زندگی برای آنان اهمیت دارد؛ لذا عطر و بوی لذت آنان، عطر و بوی بهشتی و از مصادیق روح و ریحان است. از نظر قرآن کسانی که از لذت‌های حیوانی و عوامل گوناگون باطل و خبیث آن بهره می‌برند، در بلندمدت و نیز در آخرت از لذت‌های حقیقی و واقعی محروم خواهند شد.(احقاف، آیه ۲۰، محمد، آیه ۱۲)

صفحه ۶
یک‌شنبه ۲ دی ۱۳۹۷
۱۵ ربیع‌الثانی۱۴۴۰ - شماره ۲۸-۲۱



چراغ راه

بزرگ‌ترین گناهان کبیره

قال‌النبی(ص)؛ اکبر الکبائر، الشکر بالله، و عقوق الوالدین. پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: بزرگ‌ترین گناهان کبیره، شرک به خدا و عقوق والدین است.^(۱)

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۵۳

حکایت خوبان

فقر و ذلت و بیماری در دنیا به خاطر عاق والدین
جوانی از ثروتمندان مدینه پدر پیری داشت که احسان به او را ترک نمود، و او را از مال خود، محروم کرد. خاندان متعال امولاش شد. از او گرفت و فقر و تنگدستی و بیماری را به او روی آورد و بیچاره شد. سپس پیامبر اکرم(ص) فرمود: ای کسانی که پدر و مادرها را آزار می‌رسانید، از حال این جوان عبرت بگیرید و بدانید، چنان که کسی داری‌ایش در دنیا از نزد او بیرون رفت و غنا و ثروت و صحتش به فقر داشت، به واسطه این گناه از دست داده و در مقابلش از درکات آتش برای او آماده شده است. (به‌خاطر آزار رساندن به پدر و مادر است.)^(۱)
امام‌هادی(ع) می‌فرماید: عقوق والدین باعث کم شدن مال و ثروت می‌شود، و شخص را به نکبت و ذلت در دنیا می‌کشد، و در مقابل صلح‌رحم و نیکی به والدین باعث زیادی مال و ثروت می‌شود.^(۲)

۱- سفینه البحار، ص ۱۸۰

۲- مستدرک الوسائل، احکام الاولاد، باب ۷۵، ص ۲۹



پرورش و پاسخ

چگونگی دعا برای والدین

پرورش:

در آموزه‌های وحیانی تأکید فراوانی برای دعا نسبت به والدین شده است. لطفا سبک و سیاق این دعا در حق پدر و

مادر را توضیح دهید؟

پاسخ:

در آیات قرآن و روایات معصومین، دعا برای پدر و مادر بسیار مورد تأکید قرار گرفته است که این دعاها آثار و برکات فراوانی در حیات فردی و اجتماعی انسان دارد. به عنوان نمونه پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرماید: آدمی پدر و مادرش از دنیا می‌روند، در حالی که با آن دو، بدرقاری کرده است، ولی بعد از مرگشان برای آنها دعا می‌کند و خداوند، او را از نیکوکاران به پدر و مادر می‌نویسد. (لسن‌الکبری، ج۷، ص ۱۲۶) همچنین آن حضرت در بیانی دیگر می‌فرماید: آنگاه که خداوند بنده در سترکار از یک پدر در بهشت بالا می‌برد، بنده می‌گوید: پروردگار! به چه سبب این درجه به من داده شده؟

خداوند می‌فرماید: به سبب آموزش‌خواهی فرزندت برای تو. (مسند بن حنبل، ج ۳، ص ۵۸۴)

به این جهت امام سجاد(ع) در صحیفه سجاده‌یه در دعای ۲۴ به طور مبسوط در مقام دعا برای پدر و مادر مطالب ارزشمندی را بیان می‌فرماید که گزینیه‌ای از فرازهای آن را در اینجا در پاسخ به سوال تقدیم می‌کنیم:

امام سجاد(ع) می‌فرماید: ... بار خدایا! چنانم گردان که از پدر و مادر خویش، آن گونه هبیت به دل دارم که از پادشاه خودکامه دارم و به آن دو چنان نیکی کنم که مادر مهربان(به فرزندش می‌کند) و فرامی‌بخیرم تا از پدر و مادر و خوش‌رفتاری‌ام با آنان را در نظر، خوش‌تر از خوابیدن شخص خواب‌لوده و گوارتر از سرکشیدن آبی که تشنه‌کامی می‌نوشد، قرار ده تا خواست آنان را بر خواست خویش برگزینم و خشودِی آن دو را بر خشودِی خویش مقدم بسارم و نیکی‌ای را که در حق من می‌کنند، اگرچه اندک باشد، بسیار بشمارم و نیکی خود در حق آنان را اندک بدانم، اگرچه بسیار باشد.

بارخدایا! صدام را در برابر آنان آهسته بنما، سخرتم را خوش بدار. خویر را نرم کن، دل را به ایشان مهربان گردان و مرا نسبت به آنان با مدارا و دلسوز قرار ده...

بارخدایا! هر آرزای که از من به ایشان رسیده یا هر ناخوشایندی که از من دیده‌اند، یا هر حقی که از آنان پامال کرده‌ام، سبب ریختن گناهان آن دو و علو درجاتشان و فزونی حسناشان قرار ده. ای کسی که بدی‌ها را به چندین برابر خوبی، تبدیل می‌کنی!

بارخدایا! هر آرزای که از من به ایشان رسیده یا هر ناخوشایندی که از من دیده‌اند، یا هر حقی که از آنان پامال کرده‌ام، سبب ریختن گناهان آن دو و علو درجاتشان و فزونی حسناشان قرار ده. ای کسی که بدی‌ها را به چندین برابر خوبی، تبدیل می‌کنی! بارخدایا! هر آرزای که از من به ایشان رسیده یا هر ناخوشایندی که از من دیده‌اند، یا هر حقی که از آنان پامال کرده‌ام، سبب ریختن گناهان آن دو و علو درجاتشان و فزونی حسناشان قرار ده. ای کسی که بدی‌ها را به چندین برابر خوبی، تبدیل می‌کنی!

ای خداوندگار من! زیرا حق آن دو بر من واجب‌تر، سابقه احسانشان به من بیشتر و لطفشان به من، بزرگتر از آن است که بخواهم آنان را عادلانه قصاص کنم یا با ایشان مقابله به مثل نمایم، چون اگر چنین کنم ای معبود من، پس سال‌ها زحمت ایشان برای پرورش من چه می‌شود؟ و رنج و زحمت فراوانشان در راه مراقبت من من چکا می‌رود؟ و آن همه سختی‌ای که به جان خریدند تا من در گشایش(و آسایش) باشم چه می‌شود؟

هیچها! ایشان نمی‌توانند حق خود را به کمال و تمام از من بستانند و من نیز نمی‌توانم حقوق آنان را که برعهده من است ترک کنم و وظیفه خدمتگزاری را آن دو را انجام دهم.



سلوک عارفانه

فساوت قلب، مانع استجابت دعا

(بدان ای سالک راه خدا) فساوت قلب برای روح مانع از استجابت دعا است. یعنی هرچه از خدا درخواست کند، با روحی که در آن یک حالت سختی و سنگی نسبت به همون و برادران دینی‌اش دارد، به اجابت نمی‌رسند. (امام صادق (ع) روایت است که حضرت فرمود: «ان الله عزوجل لا یتستجیب دعا، بظفر قلب قاس» خداوند نمی‌پذیرد خواسته‌ای را که پشت آن یک دل سنگی است. اگر پشتوانه عادت دل نرمی و مهربانی است، تقاضای تو پذیرفته می‌شود، اگر دل سختی در رابطه با همون و برادران دینی‌ات داری. نه ^(۱)

۱- اخلاق ربانی، آیت‌الله شیخ مجتبی تهرانی، ج ۸، ص ۱۸۵
صفحه معارف ر روزهای: شنبه، یک‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۲۹۶۱۹۹۱ – ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maaref@kayhan.ir